

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

A Comparative Analysis of the Concept of Property in Relation to Bitcoin in the Jurisprudence of Islamic Schools and the Legal System of Iran

Nader Ahmadi Hesar^{*1}, Jalal Jalalizadeh², Teymur Rahmani³, Farzad Parsa⁴

1. Department of Jurisprudence (Shafi'i Jurisprudence), Faculty of Theology, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Faculty Member, University of Tehran: Assistant Professor, Department of Jurisprudence, University of Tehran, Iran.

3. Department of Theoretical Economics, Faculty of Economics, University of Tehran, Iran.

4. Associate Professor, University of Kurdistan, Faculty of Humanities and Social Sciences, Sanandaj, Iran.

* Corresponding Author's Email: ahmadihesar@ut.ac.ir

ABSTRACT

Bitcoin, as the first decentralized digital currency, has brought about a fundamental transformation in the global financial system since its introduction in 2008 by Satoshi Nakamoto. This blockchain-based digital currency, by eliminating intermediaries and central banks, enables users around the world to conduct secure, rapid, and transparent financial transactions. With features such as decentralization, transparency, scarcity, high security, and international transferability, Bitcoin offers numerous advantages including financial freedom, reduced transaction costs, and resistance to censorship. However, challenges such as price volatility, high energy consumption, and regulatory gaps have also emerged around it. In the jurisprudential and legal analysis of Bitcoin, the central issue is its classification as "property" (māl). Islamic jurisprudential sources provide multiple definitions of property, most of which emphasize two key elements: exchange value and economic value with rational utility. Based on these criteria, Bitcoin—given its public acceptance, transferability, real economic value in the market, and potential for legitimate rational utility—undoubtedly qualifies as property. A comparative review of the perspectives of both Sunni and Shi'a jurists also confirms that Bitcoin possesses all the pillars and conditions required for classification as property under Islamic jurisprudence. Therefore, according to authoritative jurisprudential and legal standards, Bitcoin is considered property, and there exists no effective doubt concerning its property status.

Keywords: *Bitcoin, Blockchain, Property, Exchange Value*

How to cite: Ahmadi Hesar, N., Jalalizadeh, J., Rahmani, T., & Parsa, F. (2025). A Comparative Analysis of the Concept of Property in Relation to Bitcoin in the Jurisprudence of Islamic Schools and the Legal System of Iran. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 3(2), 1-13.



تاریخ ارسال: ۲۲ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۰ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۵ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱ تیر ۱۴۰۴

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

تحلیل تطبیقی مفهوم مال در تطبیق بر بیت‌کوبین در فقه مذاهب اسلامی و نظام حقوقی ایران

نادر احمدی حصار^{۱*}، جلال جلالی زاده^۲، تیمور رحمانی^۳، فرزاد پارسا^۴

۱. گروه فقه (فقه شافعی) دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. عضو هیات علمی دانشگاه تهران: استادیار گروه فقه دانشگاه تهران ایران.

۳. گروه اقتصاد نظری دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ایران.

۴. دانشیار، دانشگاه کردستان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، سنندج، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: ahmadihesar@ut.ac.ir

چکیده

بیت‌کوبین به‌عنوان نخستین ارز دیجیتال غیرمتمرکز، از زمان معرفی در سال ۲۰۰۸ توسط ساتوشی ناکاموتو، تحولی بنیادین در نظام مالی جهانی ایجاد کرده است. این ارز دیجیتال مبتنی بر فناوری بلاک‌چین، با حذف واسطه‌ها و بانک‌های مرکزی، امکان انجام تراکنش‌های مالی ایمن، سریع و شفاف را برای کاربران در سطح جهانی فراهم می‌سازد. بیت‌کوبین با ویژگی‌هایی چون غیرمتمرکز بودن، شفافیت، کمیابی، امنیت بالا و قابلیت انتقال بین‌المللی، مزایای متعددی همچون آزادی مالی، کاهش هزینه تراکنش، و مقاومت در برابر سانسور را به همراه دارد. با این حال، چالش‌هایی مانند نوسانات قیمت، مصرف انرژی بالا، و خلأهای مقرراتی نیز پیرامون آن مطرح شده است. در تحلیل فقهی و حقوقی بیت‌کوبین، مسئله اساسی «مالیت» آن است. در منابع فقه اسلامی، تعاریف متعددی از مال ارائه شده است که اغلب بر دو عنصر ارزش مبادله و ارزش اقتصادی و قابلیت انتفاع عقلایی تأکید دارند. بر پایه این ملاک‌ها، بیت‌کوبین با توجه به پذیرش عمومی، قابلیت نقل و انتقال، برخورداری از ارزش اقتصادی واقعی در بازار و امکان انتفاع عقلایی مشروع، بدون تردید واجد وصف مالیت است. بررسی تطبیقی دیدگاه‌های فقهای اهل سنت و امامیه نیز مؤید این امر است که بیت‌کوبین دارای تمام ارکان و شرایط مالیت در فقه اسلامی است. از این‌رو، با توجه به معیارهای معتبر فقهی و حقوقی، بیت‌کوبین مال محسوب می‌شود و هیچ‌گونه شبهه مؤثری در خصوص مالیت آن وجود ندارد.

کلیدواژگان: بیت‌کوبین، بلاک‌چین، مال، ارزش مبادله

نحوه استناددهی: احمدی حصار، نادر، جلالی زاده، جلال، رحمانی، تیمور. و پارسا، فرزاد. (۱۴۰۴). تحلیل تطبیقی مفهوم مال در تطبیق بر بیت‌کوبین در فقه مذاهب اسلامی و نظام حقوقی ایران. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۳(۲)، ۱-۱۳.



ناکاموتو در این مقاله، ایده‌ای نوآورانه برای ایجاد یک شبکه پرداخت غیرمتمرکز و شفاف مبتنی بر فناوری بلاک‌چین ارائه داد. این سیستم اینترنتی عمومی، علاوه بر ایجاد بستر تبادل وجوه، مکانیزمی برای تولید پول به صورت کاملاً دیجیتال نیز فراهم می‌کند. نرم‌افزار بیت‌کوین تمامی تبادلات مالی را از طریق الگوریتم‌های رمزنگاری ثبت و پردازش می‌کند. در این فرآیند، فرستنده و گیرنده از طریق رشته‌ای از اعداد رمزگذاری شده شناسایی می‌شوند، اما تمامی تراکنش‌ها در یک دفترکل عمومی (Public Ledger) به ثبت می‌رسد. در این سازوکار، هویت افراد پنهان باقی می‌ماند، اما سابقه انتقال دارایی‌ها شفاف و قابل مشاهده است. از سوی دیگر، سیستم به گونه‌ای طراحی شده که امکان دوباره‌خرج کردن (Double Spending) را از بین برده و امنیت تراکنش‌ها را تضمین کند. بیت‌کوین نخستین شبکه پرداخت غیرمتمرکز و نظیر به نظیر (P2P) است که قدرت آن نه در اختیار یک نهاد مرکزی، بلکه در دست کاربران شبکه قرار دارد. در این سیستم، هیچ واسطه‌ای از قبیل دولت یا غیره برای کنترل یا مداخله در تراکنش‌ها وجود ندارد (Khatibi, 2023). از منظر کاربران، بیت‌کوین یک ارز دیجیتال اینترنتی است که امکان نقل و انتقال دارایی را با استقلال، امنیت و شفافیت بیشتر فراهم می‌سازد. اولین بلوک بیت‌کوین، به نام (Genesis Block)، در تاریخ ۳ ژانویه ۲۰۰۹ استخراج شد (Forghandoust Haqiqi & Nadaf, 2018). در ابتدا، بیت‌کوین فقط در میان جامعه‌ای کوچک از علاقه‌مندان به فناوری شناخته شده بود، اما با گذشت زمان و رشد فناوری بلاک‌چین، به یک پدیده جهانی تبدیل شد. اولین تراکنش بیت‌کوین در سال ۲۰۱۰ انجام شد، زمانی که شخصی به نام لازلو هانیچ «Laszlo Hanyecz» ۱۰,۰۰۰ بیت‌کوین برای خرید دو پیترزا پرداخت کرد. این رویداد به عنوان اولین کاربرد واقعی بیت‌کوین در دنیای واقعی شناخته می‌شود. اما در جهت نیل به تحلیل و تاثیر غرر پیرامون بیت‌کوین می‌توان در بیان و شناخت

ظهور پدیده‌ای نوین به نام ارزهای دیجیتال به‌ویژه بیت‌کوین، پرسش‌ها و چالش‌های نوپیدی را در عرصه فقه و حقوق مطرح ساخته است. بیت‌کوین به عنوان یک دارایی رمزنگاری شده غیرمتمرکز که بدون پشتوانه دولتی و به صورت دیجیتالی و مبتنی بر فناوری بلاک‌چین ایجاد می‌شود، موجب تحول بنیادینی در مفاهیم سنتی مال، مالکیت، و ابزارهای مبادله گردیده است. در حالی که در نظام‌های حقوقی غربی، بیت‌کوین به طور فزاینده‌ای به عنوان دارایی یا مال شناخته می‌شود و در بسیاری از کشورها در چارچوب حقوق مدنی و تجاری قابلیت نقل و انتقال و حتی ضبط و مصادره دارد، در نظام فقهی اسلامی، به‌ویژه در فقه امامیه و مذاهب اهل سنت، هنوز مباحث نظری پیرامون ماهیت حقوقی و فقهی بیت‌کوین و قابلیت اطلاق عنوان «مال» بر آن به طور کامل تبیین نشده است.

سؤال اصلی که این پژوهش در پی پاسخ به آن است، این است که آیا بیت‌کوین از منظر فقه اسلامی، به‌ویژه با استناد به معیارهای متداول مالیت در فقه امامیه و اهل سنت، واجد وصف مالیت می‌باشد یا خیر؟ همچنین، شبهاتی که برخی در خصوص غیرعینی بودن، نوسان شدید ارزش، یا عدم پشتوانه فیزیکی بیت‌کوین مطرح می‌سازند، تا چه اندازه در نفی مالیت آن مؤثرند و چه پاسخ فقهی در برابر این اشکالات قابل ارائه است؟

تاریخچه بیت‌کوین

در روز ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸ مقاله‌ای با عنوان (Bitcoin: A Peer-to-Peer Electronic Cash System) به معنی «بیت‌کوین: یک سیستم پول الکترونیکی همتا به همتا» منتشر شد نام نویسنده این مقاله ساتوشی ناکاموتو نوشته شده بود. کسی نمی‌داند که این نام، اسم یک نفر است یا گروهی از دانشمندان، چنین نامی را برای خود انتخاب کرده‌اند. بیت‌کوین نخستین ارز دیجیتال غیرمتمرکز است که با نام مستعار ساتوشی ناکاموتو در این مقاله معرفی شد.

در نقل و انتقالات بین‌المللی، مزیت محسوب می‌شود (Forghandoust Haqiqi & Nadaf, 2018).

مقاومت در برابر سانسور: به دلیل ساختار غیرمتمرکز، هیچ نهاد یا فردی نمی‌تواند تراکنش‌های بیت‌کوین را مسدود یا سانسور کند که از منظر حقوق اقتصادی و آزادی مالی حائز اهمیت است.

جذب سرمایه‌گذاری و ذخیره ارزش: محدودیت در عرضه و افزایش تقاضا، بیت‌کوین را به‌عنوان یک دارایی با ارزش ذاتی مطرح کرده و برخی آن را جایگزینی برای طلا می‌دانند (Forghandoust Haqiqi & Nadaf, 2018).

فراگیری جهانی: عدم وابستگی به زیرساخت‌های بانکی سنتی، امکان استفاده از بیت‌کوین را در سطح جهانی فراهم کرده است (Heydari Eshtirani, 2022).

معایب بیت‌کوین

نوسانات شدید قیمت: ماهیت دیجیتال و عدم وجود پشتوانه فیزیکی باعث نوسانات شدید در ارزش بیت‌کوین شده و ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. (همان)

مصرف بالای انرژی: فرآیند استخراج بیت‌کوین نیازمند توان پردازشی و مصرف انرژی بالایی است که چالش‌های زیست‌محیطی ایجاد کرده و موجب محدودیت استخراج در برخی کشورها شده است.

محدودیت در مقیاس‌پذیری: بیت‌کوین قادر به پردازش تعداد محدودی تراکنش در هر ثانیه است که این امر می‌تواند موجب کندی شبکه در زمان افزایش تقاضا شود.

ریسک‌های قانونی: برخی کشورها بیت‌کوین را به رسمیت نمی‌شناسند یا استفاده از آن را محدود کرده‌اند که این عدم شفافیت حقوقی مشکلاتی را برای کاربران ایجاد می‌کند. هم‌چنین، برخی نظام‌های حقوقی، معاملات بیت‌کوین را تحت مقررات ضدپولشویی (AML) قرار داده‌اند (Khatibi, 2023).

اجمالی‌ای که از بیت‌کون بیان شد و در جهت اهداف؛ و با توجه به تحقیقات صورت گرفته می‌توان مطالب پایین را در جهت ویژگی‌ها و مزایا و معایب آن بیان داشت.

ویژگی‌های بیت‌کوین

غیرمتمرکز بودن (Decentralization): بیت‌کوین تحت کنترل هیچ نهاد یا دولت خاصی قرار ندارد و تمامی تراکنش‌های آن در یک شبکه همتا به همتا (P2P) تأیید و ثبت می‌شوند.

شفافیت: تمامی تراکنش‌های بیت‌کوین در دفتر کل عمومی بلاک‌چین (Public Ledger in Blockchain) ثبت شده و برای عموم کاربران قابل مشاهده است، که این امر شفافیت بالایی را به سیستم مالی آن می‌بخشد.

امنیت بالا: استفاده از رمزنگاری پیشرفته، امنیت تراکنش‌ها را تضمین کرده و کاربران را در برابر حملات سایبری محافظت می‌کند (Forghandoust Haqiqi & Nadaf, 2018).

کمیاب بودن: عرضه بیت‌کوین به ۲۱ میلیون واحد محدود شده است که این ویژگی آن را به‌عنوان یک دارایی کمیاب و ارزشمند مطرح کرده است (Khatibi, 2023).

غیرقابل برگشت بودن تراکنش‌ها: پس از انجام یک تراکنش، امکان بازگشت آن وجود ندارد مگر با توافق طرفین.

قابلیت تقسیم‌پذیری: بیت‌کوین تا ۸ رقم اعشار (ساتوشی) قابل تقسیم بوده و این ویژگی امکان انجام تراکنش‌های خرد را فراهم می‌کند.

مزایای بیت‌کوین

آزادی مالی: کاربران می‌توانند بدون نیاز به واسطه‌هایی نظیر بانک‌ها یا دولت‌ها، دارایی‌های مالی خود را مدیریت کنند. این ویژگی به‌ویژه در کشورهایی با محدودیت‌های مالی شدید، اهمیت ویژه‌ای دارد.

کاهش کارمزد تراکنش‌ها: هزینه تراکنش‌های بیت‌کوین در مقایسه با سیستم‌های مالی سنتی پایین‌تر است که این امر، به‌ویژه

ابن اثیر در باره لفظ مال می‌نویسد: «الْمَالُ فِي الْأَصْلِ مَا يَمْلِكُ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ ثُمَّ أُطْلِقَ عَلَى كُلِّ مَا يَفْتَنِي وَيَمْلِكُ مِنَ الْأَعْيَانِ، وَأَكْثَرُ مَا يَطْلُقُ الْمَالُ عِنْدَ الْعَرَبِ عَلَى الْإِبِلِ لِأَنَّهَا كَانَتْ أَكْثَرَ أَمْوَالِهِمْ» (Ibn Manzur, 1993) کلمه مال در اصل لغت بر طلا و نقره‌ای که شخص مالک آن بوده گفته شده است سپس بر هر چیزی که اندوخته و نگهداری و تملک شود اطلاق گردیده است و بیشترین چیزی که نزد عرب به عنوان مال (در آن عصر) اطلاق می‌گردد شتر است چرا که بیشترین اموال آن‌ها به حساب آمده است. همین دیدگاه ابن اثیر را نیز طریحی در باره این لفظ بیان داشته و آن را ریشه از مول می‌داند. در لغت نامه فارسی در خصوص واژه شناسی مال چنین ذکر شده است: «آنچه در ملک کسی باشد و آنچه ارزش مبادله داشته باشد، خواسته، دارایی و...» (Moein, 2011). برخی دیگر مانند دهخدا بیان کرده اند: «اموال جمع مال است و در لغت به معنی مال‌ها، املاک و اسباب و امتعه و کالا و ثروت و هر چیزی که در تملک کسی باشد، یا در تصرف و ید کسی باشد گفته می‌شود. هم چنین برخی دیگر در تعریف لغوی مال بیان می‌دارند:» مال (عبارتست از) دارایی از هر نوع که باشد و در نزد روستائیان بر دام و ستور مانند شتران و گوسفندان اطلاق می‌شود».

مفهوم مال در اصطلاح فقها

فقها در تعریف مال دارای اختلاف نظر هستند: ابن عابدین از فقهای حنفیه می‌گوید: منظور از مال عبارتست از آنچه که دارای دو ویژگی باشد: اولاً «مال چیزی است که سرشت و طبیعت انسان، بدان گرایش و تمایل پیدا می‌کند». بنا براین تعریف، هر آنچه که طبیعت انسان (اکثر مردم نه افراد خاص) از آن متغیر است مال به حساب نمی‌آید همانند مردار و خون و ثانیاً «امکان ذخیره کردن آن برای وقت نیاز وجود داشته باشد و مالیت هم با هر آنچه که اکثر مردم یا بعضی از آن‌ها آنرا مال به حساب می‌آورند حاصل می‌گردد» اما این تعریف را نمی‌توان مورد نقد قرار نداد چرا که تعریفی جامع نیست به عنوان مثال سبزیجات و یا بعضی چیزهای

امکان استفاده در فعالیت‌های غیرقانونی: ناشناس بودن تراکنش‌ها موجب شده که بیت‌کوین در مواردی نظیر پولشویی، فرار مالیاتی و تجارت غیرقانونی مورد استفاده قرار گیرد که چالش‌های حقوقی قابل توجهی به همراه دارد.

مشکلات امنیتی: ماهیت دیجیتالی بیت‌کوین چالش‌هایی هم چون هک شدن حساب‌های کاربری، سرقت کلیدهای خصوصی و فراموشی رمز عبور را به همراه دارد که در برخی موارد موجب از بین رفتن همیشگی دارایی کاربران شده است (Forghandoust, Haqiqi & Nadaf, 2018).

این موارد نشان می‌دهد که بیت‌کوین به‌عنوان یک نوآوری مالی، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که از یک سو، فرصت‌های گسترده‌ای را برای توسعه نظام مالی دیجیتال ایجاد کرده و از سوی دیگر، چالش‌های حقوقی، اقتصادی و زیست‌محیطی خاص خود را به همراه دارد.

مفهوم شناسی مال در لغت و اصطلاح

مال از آن دسته اصطلاحاتی است که در عرف عام شکل گرفته و لذا جعل و اعتبار خاصی ندارد و چون مصداق اصطلاحات عرفی عام، در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است به همین خاطر در علوم مختلف لغت، حقوق و فقه و... تعاریف گوناگونی از آن شده است. در ابتدا واژه مال در لغت توضیح داده و سپس دیدگاه‌های مختلف در این زمینه از لحاظ اصطلاحی بیان خواهد شد.

مفهوم مال در لغت: برخی اصالت کلمه مال را یک کلمه یونانی (Malon) پنداشته (Qayem, 2009) و برخی دیگر اصالت کلمه را عربی قلمداد کرده اند. با تحلیل و مراجعه به لغت شناسان؛ روشن می‌گردد که کلمه مال در لغت عرب از ماده مَوَل که بعداً به خاطر مفتوح بودن ماقبل (و) به مَال تبدیل شده و به صورت مَالِ يَمُولُ مَوْلًا (Farabi, 1986) صرف می‌گردد. مال در لغت به معنای خواستن است و علت نامگذاری آن به مال هم همان میل به این و آن (اشیاء و...) و دست بدست گردیدن است.

نکته: از این تعاریف و تعاریف دیگری که در سایر مراجع و منابع مطول فقهی دیگر ذکر شده به وضوح دو نکته و دو تفاوت قابل برداشت است:

اولاً: حنفیه مال را منحصر در موارد و بعضاً اعیانی (Kasani, 1985) کرده‌اند که می‌توان آنرا ذخیره نمود لذا آن‌ها منافع همانند سکونت در خانه را مال به صورت حقیقی به حساب نمی‌آورند چرا که امکان حیات و ذخیره نمودن آن وجود ندارد اما اینکه بعداً توجیهاتی در ارتباط با اجاره نمودن منافع و... کرده‌اند از باب ضرورت بوده است بنابر این حنفیه شرط نموده‌اند که مالیت یک شیء باید مورد رغبت، قابل ذخیره و قابلیت انتفاع شرعی را داشته باشد ثانیاً: جمهور فقها چنین شرطی را قرار نگذاشته‌اند بلکه دایره مال را وسعت بخشیده‌اند و آنرا شامل اعیان و منافع نیز قرار داده‌اند. باید توجه نمود که اکثر فقها اتفاق نظر دارند که عنصر اساسی در مالیت، بودن شیء بنا بر عرف جاری، داشتن منفعت و بنابر دیدگاه فقهای شافعیه قیمت دار بودن می‌باشد. لذا می‌توان در این زمینه یک قاعده کلی را ذکر کرد. بر اساس دیدگاه جمهور فقها، برای آنکه یک شیء دارای مالیت شرعی باشد، دو شرط اساسی باید در آن محقق گردد: الف: انتفاع از آن شرعاً مباح باشد؛ بدین معنا که استفاده از آن مخالف احکام شریعت نباشد. ب: دارای ارزش اقتصادی از نظر شرع باشد؛ یعنی شرعاً قابل مبادله و خرید و فروش باشد. با این حال، مالیت یک شیء ممکن است نسبی باشد؛ به این معنا که در یک محیط یا فرهنگ خاص، یک شیء

دیگر مال به حساب می‌آید هر چند ذخیره نمی‌گردد چرا که سریعاً هدر خواهد رفت و نیز اینکه بعضی از اموال همانند بعضی از داروهای تلخ و سموم، طبیعت اکثر انسان‌ها از آن متنفر است هر چند که مال است پس نمی‌توان گفت که این دیدگاه، دیدگاه جامعی باشد. أبویوسف و محمد می‌گویند که مال عبارت است از آنچه که انتفاع از آن در حقیقت و شرعاً مباح است (Samarqandi, 1993). فقهای مالکیه مال را به تعبیر مختلفی تعریف کرده‌اند شاطبی می‌گوید: «مال چیزی است که به ملکیت انسان در می‌آید و مختص به خود مالک است»، امام شافعی می‌گوید: «اسم مال به چیزی واقع می‌گردد که دارای قیمت باشد و محل خرید و فروش قرار بگیرد و زمانی که شخصی آن را تلف نمود قیمت آن را پرداخت کند هر چند دارای ارزش کمی باشد و این که معمولاً مردم آن‌ها را از خود دور نمی‌کنند همانند فلس^۱ و هر آنچه شبیه بدان است». حنابلہ می‌گویند: «مال در شرع عبارت است از آن چه که نفع آن به صورت مطلق مباح است آن هم در تمامی زمان‌ها یا این که بدون نیاز، نگهداری آن مباح باشد» (Bahouti, 1993). علامه حلی از فقهای امامیه مفهوم مال را این گونه تعریف می‌کند: «مال عبارت است از آن چه که در آن دارای منفعتی مقصود است و این منفعت هم نزد شارع محلل^۲ می‌باشد، پس هر آنچه که در آن منفعتی وجود ندارد مال نیست و هر آنچه را که شارع منفعت آن را ساقط نموده است مال به حساب نمی‌آید همانند آلات قمار و خمر».

^۱ فلس نوعی پول خرد در کشورهای اسلامی بوده است.

^۲ تعریف منفعت محلل را در این اصطلاح می‌توان دقیق فهمید: منفعت محلل عبارت است از فایده‌ای که مردم به آن بسیار نیازمندند و غالباً دلیل رقابت عقلا

برای کسب عین چیزی است که دارای منفعت است؛ خواه نیاز به آن در صورت انتخاب مانند سرگین باشد که فضولاتی است برای کود دادن به محصولات... و یا سوخت متنجس برای افروختن و استفاده از آن به عنوان روشنایی، و یا استفاده

از روغن و چربی نجس برای چرب نمودن بدنه کشتی‌ها (که این موارد در ایام قدیم به دلیل مقتضیات عصر بسیار مورد توجه بوده است) و هم چنین استفاده از آن برای روشن کردن کشتی‌ها، یا استفاده از خون برای رنگ آمیزی و یا سگ برای نگهداری. یا در مواقع ضروری از خون برای انتقال خون و دارو و مواد مخدر برای معالجه همانند امروزه بهره گرفته شود. غدیری (۱۳۷۷ش)،

تحت تصرف قرار گرفتن، قیمت‌دار بودن و امکان انتفاع مشروع از معیارهای اساسی مالیت به شمار می‌روند (Hilli, 1968; Marwazi, 2004; Nawawi; Zarqani, 1993). با توجه به تعاریف و قواعد فقهی مالیت، بیت‌کوبین تمامی شرایط لازم را برای مالیت را دارد و نمی‌توان توجیهی برای نفی مالیت آن یافت.

نقش عرف و عدم منع شرعی در عدم احتساب مالیت بیت‌کوبین
باید توجه داشت که مفهوم مال، عرفی است و شارع در آن نقش سلبی ایفا می‌کند، بدین معنا که در صورتی که یک شیء دارای منفعت عرفی باشد، شارع تنها در مواردی که استفاده از آن ممنوع شده باشد، مالیت آن را نفی می‌کند. برای نمونه، خمر و خنزیر به رغم اینکه از نظر عرفی ارزش اقتصادی دارند، شارع از ترتب آثار شرعی بر آن‌ها جلوگیری کرده است (Hilli, 1968; Marwazi, 2004). اما در خصوص بیت‌کوبین، هیچ منع شرعی برای انتفاع مشروع از آن وجود ندارد. بنابراین، مطابق قاعده صحت در عقود (Nawawi; Sarakhsi, 1993; Zarqani, 1993) معاملات آن صحیح بوده و واجد مالیت است. در تأیید این دیدگاه، بیانیه‌ی منتدی الاقتصاد الإسلامی تصریح می‌کند که: «بیت‌کوبین واحدهای دیجیتالی رمزگذاری‌شده‌ای هستند که هیچ ماهیت مادی یا حسی ندارند و همچنین ارزش یا منفعت ذاتی ندارند، اما به دلیل منفعت تبدلی و رواج نسبی که در بسیاری از کشورها به دست آورده‌اند، به عنوان مال مقوم محسوب می‌شوند» (بیان منتدی الاقتصاد الإسلامی علی الواتس بشأن مشروعیه البتکوبین بتاريخ ۱۱ / ۱ / ۲۰۱۸، ص ۹) بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که ارزشهای دیجیتالی، از نظر فقهی، مشمول مفهوم مالیت هستند و به حقوق معنوی ملحق می‌شوند، زیرا هیچ مانع شرعی یا قانونی در انتفاع مشروع از آن وجود ندارد.

مفهوم مال از دیدگاه حقوق دانان

فراتر از نگرستن فقها و البته مباحث مرتبط با اموال، و این که هر چند در قانون مدنی تعریفی از مال نشده اما مصادیق آن ذکر شده

مال محسوب نشود، اما در محیطی دیگر دارای ارزش اقتصادی باشد. به عنوان مثال، خوردن برخی حشرات ممکن است در یک جامعه امری مشروع و متداول تلقی شود و آن را مال بدانند، درحالی‌که در جامعه‌ای دیگر نسبت به آن اشمئزاز و عدم رغبت وجود داشته باشد. پس می‌توان گفت که اصولاً مشروعیت انتفاع از یک شیء، معیار اصلی برای تعیین مالیت فقهی آن است. اما در نگاهی وسیع‌تر، مالیت تابعی از رغبت و ندرت نیز می‌باشد؛ بدین معنا که ممکن است چیزی در یک زمان یا مکان خاص فاقد مالیت باشد، اما در شرایط دیگر مالیت پیدا کند. به عنوان مثال، برخی کالاها در زمان‌های خاصی از تاریخ یا در برخی مناطق، فاقد ارزش اقتصادی بودند، اما در اثر تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی، مالیت یافته‌اند. این امر نشان می‌دهد که مالیت امری ثابت و مطلق نیست، بلکه به عوامل محیطی، شرعی و اقتصادی وابسته است.

بررسی مالیت بیت‌کوبین از دیدگاه فقها

فقه‌های حنفیه با حساسیتی که در تعریف مال به کار برده‌اند، معتقدند که مال باید مورد رغبت و تمایل اشخاص بوده، قابلیت ذخیره‌سازی داشته و هم چنین امکان انتفاع حقیقی و شرعی از آن وجود داشته باشد. با توجه به این معیارها، می‌توان گفت که بیت‌کوبین تمامی این ویژگی‌ها را داراست و بر این اساس، در چارچوب تعریف ارائه‌شده از سوی فقه‌های حنفی، می‌تواند مال محسوب شود. هرچند برخی از فقه‌های حنفیه ممکن است به عدم عینیت فیزیکی بیت‌کوبین ایراد بگیرند، اما در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت که منظور از عینیت در مفهوم معاصر، تحقق خارجی آن است، نه لزوماً وجود فیزیکی ملموس. همان‌گونه که پول‌های بانکی، که امروزه با کارت‌های الکترونیکی و بدون وجود اسکناس فیزیکی مورد معامله قرار می‌گیرند و هم چنان مال محسوب می‌شوند. بنابراین، بیت‌کوبین نیز به دلیل قابلیت ذخیره‌سازی، قابلیت تبادل و بهره‌برداری مشروع، می‌تواند مال به شمار آید. اما از دیدگاه جمهور فقه‌های مذاهب، ملاک‌هایی چون ملکیت، قابلیت

است همانند ماده ۲۱۴ ق م می گوید «مورد معامله باید مال یا عملی باشد که هر یک از متعاملین تعهد تسلیم یا ایفاء آن را می کنند». به طور کلی و همان طور که در مطالب فوق ذکر شد باید توجه داشت که مال دارای مفهومی نسبی است و بر حسب زمان و مکان مفهوم آن متغیر خواهد بود. حقوق دانان هم همانند فقها در جهت تعریف جامع و به واسطه شمول و گستره مباحث حقوقی آن، حتی در جهت صلاحیت محاکم، اهمیت خاصی در تعریف مال و اقسام آن نموده اند به همین جهت و با توجه به موادی از قانون مدنی و استنباط از اقوال بعضی از حقوق دانان می توان گفت که: مال چیزی است که مفید بوده و یک نیاز اعم از مادی یا معنوی را رفع کند و هم چنین قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین را داشته باشد در واقع از دیدگاه این افراد مال چیزی است که دارای این دو شرط اساسی باشد (Katouzian, 2015) اما از دیدگاه عده ای دیگر هر چیزی که انسان بتواند از آن استفاده کند و قابل تملک هم باشد، مال است (Katouzian, 2022). عده ای دیگر از حقوق دانان معتقد اند که در اصطلاح حقوقی مال چیزی است که ارزش اقتصادی داشته و قابل تقویم به پول باشد؛ یعنی بتواند مورد دادوستد قرار گیرد. بنابراین، حقوق مالی مانند: حق تحجیر^۱ و حق شفعه^۲ و حق صاحب علامت تجاری هم، مال محسوب می شود (لنگرودی، ذیل کلمه مال) ولی هوا با آن که برای انسان ارزش حیاتی دارد، و یا روشنایی روز با همه ارزشی که دارد مال به حساب نمی آید، چون ارزش اقتصادی و مبادله ای ندارد (Taheri, 1997). بنابراین دریای آزاد و کرات آسمانی که قابل تملک نیستند مال محسوب نشده و از آن ها به عنوان «میراث

مشترک بشریت» «The common heritage of humanity» یاد می شود (Bigdeli Ziaei, 2024). حقوق دانان تعریف دیگری نیز در رابطه با مال ارائه داده اند و آن این است: «مال به چیزی گفته می شود که دارای عناصر ذیل باشد (Taheri, 1997): الف- امکان اختصاص به شخص (اعم از حقیقی و حقوقی) را داشته باشد ب- قابل نقل و انتقال باشد ج- منفعت عقلایی داشته باشد د- در بینش حقوق دانان اسلامی منفعت حلال داشته باشد، لذا در بینش اسلام، خوک و شراب، مال به حساب نمی آیند ه- محکی باشد نه حاکی؛ یعنی اگر چیزی حاکی از واقعیتی باشد آن واقع مال است نه آن حاکی، به عنوان مثال: اوراق قرضه که حاکی از طلب، است آن طلب مصداق مال است نه اوراق قرضه». از مجموع تحلیلات حقوق دانان و استنباط از نظریات آنان می توان دیدگاه آن ها را چنین ارزیابی و بیان کرد که به خاطر اینکه یک شیء مال به حساب بیاید باید دارای ویژه گی های ذیل باشد اولاً: مفید بوده و نیازی را اعم از مادی یا معنوی برآورد کند. ثانیاً: قابل تملک و اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین باشد. بنابراین کرات آسمانی، دریاها، آزاد، نور خورشید، هوا و غیره از دیدگاه آن ها مال محسوب نمی شوند اما می توان چنین استدلال فقهی و حقوقی هم نمود که دیدگاه آن ها یک دیدگاه نسبی می باشد چرا که بعضی از مصادیقی که آن ها بیان داشته اند به دلایلی خاص مشمول نهی از معاملات غرری که بعداً بیان خواهد شد می باشد اما می توان توجیهی در این زمینه بیان داشت و آن این که؛ اگر موارد فوق الذکر قابلیت اختصاص و احاطه و کاربرد را داشته باشند و اینکه بتوان آن را محدود و و مورد اختصاص قرار داد مثل

شریک، حصه ی خود را به قصد بیع به شخص ثالثی منتقل کند شریک دیگر حق دارد قیمتی را که مشتری داده است به او بدهد و حصه ی مبیع را تملک کند. این حق را حق شفعه و صاحب آن را شفیع می گویند. از دیدگاه امامیه و حقوق ایران شرکا باید دو نفر باشند نه بیشتر.

^۱ شروع در احیاء از قبیل سنگ چیدن اطراف زمین یا پی کنی و یا کندن چاه و غیره تحجیر است. تحجیر سبب مالکیت نمی شود ولی سبب پیدایش حق اولویت می شود (ماده ۱۴۲-۱۴۸) ق م جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ذیل کلمه تحجیر.

^۲ بر اساس دیدگاه فقهای اهل سنت حق شفعه عبارت است از اینکه: هر گاه مال غیرمنقول قابل تقسیمی، بین دو نفر یا بیشتر مشترک باشد و یکی از دو

قابلیت اختصاص و تملک: بیت کوین قابلیت اختصاص به اشخاص را دارد و امکان خرید، فروش و انتقال آن وجود دارد. در بسیاری از کشورها، مالکان بیت کوین از حمایت‌های قانونی برخوردارند (Roshan & Colleagues, 2018).

ارزش اقتصادی و قابلیت تقویم به پول: بیت کوین در بازارهای جهانی دارای ارزش اقتصادی است و به نرخ مشخصی خرید و فروش می‌شود و قابلیت مبادله و دادوستد در سطح بین‌المللی را دارد، پس شرط قابلیت تقویم به پول را داراست.

منفعت عقلایی مشروع: از نظر عرف، افراد برای آن ارزش قائل‌اند و به عنوان وسیله مبادله یا سرمایه‌گذاری از آن استفاده می‌کنند. از نظر حقوقی، برخی نظام‌های حقوقی آن را به رسمیت شناخته‌اند (مانند ژاپن و آمریکا)، اما برخی کشورها هنوز در پذیرش آن تردید دارند (همان).

مقایسه با سایر اموال غیرمادی: همان‌طور که حقوق مالکیت فکری و سهام شرکت‌ها مال محسوب می‌شوند، بیت کوین نیز به عنوان دارایی دیجیتال دارای مالیت است. حتی در نظام‌های حقوقی که بیت کوین را پول نمی‌دانند، آن را نوعی دارایی یا مال نامشهود تلقی می‌کنند (Roshan & Colleagues, 2018) پس با استناد به مواد ۲۱۴ و ۲۱۵ قانون مدنی و تعریف حقوق دانان، بیت کوین دارای مالیت است؛ زیرا اولاً دارای ارزش اقتصادی بوده، ثانیاً قابلیت اختصاص و تملک دار. از این‌رو، اکنون با توجه به مبانی فقهی و حقوقی در مال بودن یک چیز، می‌توان به این نتیجه رسید که بیت کوین مال است و می‌تواند در ازای معوضی قرار گیرد پس می‌توان آن را نوعی مال غیرمادی با قابلیت دادوستد دانست.

نتیجه‌گیری

۱. **بیت کوین دارای مالیت است:** با توجه به تعریف مال در فقه اسلامی (امامیه و اهل سنت) و معیارهای قانون مدنی ایران، بیت کوین با وجود ارزش مبادله‌ای، قابلیت

هوای کپسول اکسیژن که در تطبیق نحوه کاربرد آن هیچ گونه توجیهی در عدم مشروعیت آن را نمی‌توان پذیرفت مالیت آن امری بدهی خواهد بود. نکته حائز اهمیت که می‌توان امروزه در مورد تعریف مال بیان داشت این است که امروزه مال از معنای سنتی خود فاصله گرفته است و به اشیای فیزیکی و لمس شدنی (اعیان) منحصر نمی‌شود، بلکه حقوقی را که جامعه به رسمیت می‌شناسد (با وجود نداشتن وجود خارجی) و آنچه را که از ارزش مادی برخوردار است نیز شامل می‌شود، پس حقوقی چون حقوق ادبی، حقوق فکری، حق طبع و نشر کتاب و حق اسم تجاری و... نیز در زمره اموال قرار می‌گیرند. در تأیید این سخن عده‌ای از حقوق دان می‌گویند: در حقوق کنونی مال مفهوم گسترده تری دارد احتمال دارد موضوع حق مورد تملیک شیء مادی نباشد و پایه انرا استعداد یا ابتکار ویژه شخص تشکیل دهد امروزه حقوق معنوی مانند حق اختراع و تالیف و... از عناصر مهم دارایی اشخاص است که مورد داد و ستد قرار می‌گیرد (Katouzian, 2022).

معنی و لزوم مالیت داشتن در قانون و دیدگاه حقوق دانان در تطبیق بر بیت کوین

ماده ۲۱۵ ق. م اعلام می‌کند: «مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلائی مشروع باشد» و ماده ۳۴۸ ق.م که شایع ترین نمونه مال مورد انتقال در عقود تملیکی است می‌افزاید: «بیع چیزی که... مالیت و یا منفعت عقلایی ندارد... باطل است» با توجه با آنچه که بیان شد باید بیان کرد که منفعتی که مورد تایید قانون گذار و دارای اعتبار است که نه تنها در دید عرف و نزد خردمندان فایده به شمار رود بلکه قانون و اخلاق نیز آنرا مباح بدانند پس می‌توان این دو شرط را در «مالیت داشتن» خلاصه کرد. اما برای بررسی مالیت بیت کوین، باید این رمزارز را با توجه به معیارهای حقوقی، اقتصادی و عرفی سنجید. در این راستا، استدلال‌های زیر را می‌توان مطرح کرد:

تملك، و قابليت نقل و انتقال، از نظر فقهی و حقوقی مال محسوب می‌شود.

۲. در فقه امامیه، بیت‌کوین به عنوان مال متعارف قابل اعتبار است: بر اساس معیار عقلایی بودن و نیاز غالب مردم، بیت‌کوین در مواردی که مورد توجه و عرف عقلایی قرار گیرد، مال محسوب می‌شود و معاملات مرتبط با آن صحیح است.

۳. در مذاهب اهل سنت نیز پذیرش مالیت بیت‌کوین با شرایطی ممکن است: اگرچه در برخی مذاهب مانند حنفیه و مالکیه تأکید بر عینیت و منفعت محسوس دارند، اما برخی از فقهای متأخر از جمله در مذهب شافعی و حنبلی، با پذیرش تحول عرف در مصادیق مال، بیت‌کوین را قابل مالیت می‌دانند.

۴. قانون مدنی ایران مانعی برای مالیت بخشی به بیت‌کوین ندارد: با استناد به ماده ۱۰ قانون مدنی (اصل آزادی قراردادها) و عدم تصریح قانون‌گذار به منع استفاده از رمزارزها در قراردادها، می‌توان بیت‌کوین را

موضوع معامله دانست، مگر اینکه خلاف نظم عمومی یا قوانین خاص باشد.

۵. تردید در مالیت بیت‌کوین ناشی از نوظهور بودن آن است، نه فقدان اوصاف مال: شبهات فقهی و حقوقی مطرح‌شده بیشتر جنبه احتیاطی و ناشی از بی‌سابقه بودن موضوع دارد و با بررسی دقیق معیارهای مالیت، جایی برای انکار مال بودن بیت‌کوین باقی نمی‌ماند.

۶. ضرورت بازنگری فقهی و تقنینی در مواجهه با رمزارزها: تحولات اقتصادی و فنی ایجاب می‌کند که فقه اسلامی و نظام حقوقی ایران نسبت به مفاهیم نوین مانند بیت‌کوین انعطاف داشته باشند و چارچوب‌های مشخصی برای مشروعیت، مالیت و معاملات آن تدوین کنند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The emergence of Bitcoin as the first decentralized digital currency in 2008 by Satoshi Nakamoto marked a paradigm shift in global financial systems, triggering debates across various fields, particularly jurisprudence and law. Unlike traditional fiat currencies, Bitcoin operates on a blockchain system, which eliminates the need for centralized intermediaries like banks, offering transparent, secure, and peer-to-peer financial transactions. These unique characteristics of decentralization, transparency, scarcity, divisibility, and cryptographic security have led to its increasing adoption across the globe as a financial asset. However, the radical nature of Bitcoin has raised profound theoretical and practical questions in Islamic

jurisprudence and the Iranian legal system. Most notably, the essential inquiry concerns whether Bitcoin can be classified as "property" (māl) within the frameworks of Islamic law and Iranian civil law. This inquiry is especially significant because property classification affects the legitimacy of transactions, the permissibility of exchange, and the enforceability of rights and obligations. Furthermore, the debate is complicated by Bitcoin's immaterial and volatile nature, its lack of intrinsic utility, and its technological novelty, which challenge traditional notions of tangible and perceivable wealth as historically conceptualized in Islamic jurisprudence. Addressing these questions, this article embarks on a comparative analytical journey through the definitions and criteria of property

in both Sunni and Shi'a jurisprudential schools, coupled with insights from modern Iranian legal scholarship, to determine the extent to which Bitcoin satisfies the legal and jurisprudential prerequisites of māliyya.

A foundational step in this inquiry involves understanding the evolution and operational mechanics of Bitcoin. Initially proposed in a white paper titled *Bitcoin: A Peer-to-Peer Electronic Cash System* on October 31, 2008, the concept introduced an alternative digital financial ecosystem free from government control. By January 3, 2009, the Genesis Block was mined, launching Bitcoin into reality. Since then, its growth has been exponential, both in economic value and socio-political significance. The structure of Bitcoin enables decentralized verification of transactions through blockchain—a public, immutable ledger accessible to all users, ensuring transparency while maintaining user anonymity. This mechanism, bolstered by advanced cryptography, protects against double spending and unauthorized alterations. Economically, Bitcoin's supply is capped at 21 million units, enhancing its scarcity and leading many to liken it to digital gold. This capped supply, combined with its divisibility into up to eight decimal places (satoshis), increases its functionality for micro-transactions. However, Bitcoin is not without challenges. Its energy-intensive mining process has raised environmental concerns, and its volatile market value introduces high risk for investors. Additionally, due to its pseudonymity, Bitcoin is susceptible to misuse in illicit transactions, complicating regulatory efforts. Nevertheless, its global reach and independence from conventional financial infrastructures make it a resilient asset with broad utility, particularly in politically or economically unstable regions. From this vantage point, Bitcoin presents a unique test case for extending the boundaries of traditional legal definitions of property.

In classical Arabic and Islamic jurisprudence, the concept of property (māl) has undergone considerable development. Lexically, "māl" is derived from the Arabic root *mawila*, signifying inclination or desire, and originally referred to possessions such as gold and silver. Over time, the term expanded to include anything that can be possessed, stored, and exchanged, particularly if it holds economic value or satisfies a human need. In this context, scholars such as Ibn Manzur and others explain māl as any item that can be owned, used, or exchanged for value (Farabi, 1986; Ibn Manzur, 1993). In jurisprudential terms, definitions vary among Islamic schools. The Hanafi jurists, for instance, emphasize three main criteria: desirability or demand by the public, storability, and the possibility of legal utility. Others, such as Abu Yusuf and Muhammad, argue that a valid property must be legally usable and beneficial. The Shafi'i school considers something to be māl if it is valued in transactions and can be compensated for upon destruction. Similarly, the Hanbali view necessitates unrestricted utility and legitimacy across time and space (Bahouti, 1993; Samarqandi, 1993). Shi'a scholars like Allameh Hilli adopt the perspective that property must provide legitimate benefit and not be among prohibited items like gambling instruments or alcohol (Hilli, 1968). Despite variations in expression, a consensus exists around the dual requirement of legitimate utility and economic value. Jurists also recognize that property status may be contextually influenced by cultural and societal acceptance. Thus, a comprehensive jurisprudential view supports the notion that if Bitcoin meets these criteria, especially utility and market value, it qualifies as māl—even if it lacks physical form. Turning to the empirical analysis of Bitcoin against these jurisprudential criteria, the article systematically argues that Bitcoin fulfills all the necessary conditions to be

classified as property. It possesses utility (facilitating exchange and investment), is accepted as valuable by many societies, can be stored and transferred, and is not explicitly forbidden in Shariah. For example, Hanafis may be skeptical due to Bitcoin's lack of physical tangibility, yet this skepticism is counterbalanced by analogies to modern banking systems that rely on digital representations of money, such as debit cards and online transfers. The argument becomes stronger when one considers the position of other Sunni schools like the Shafi'i and Hanbali, who accept intangible assets like usufructs and digital rights as valid property. Furthermore, the principle of "urf" (custom) in Islamic jurisprudence acknowledges the evolving definitions of property based on societal practice, provided there is no explicit prohibition from Shariah. Bitcoin does not fall under the category of impermissible assets like alcohol or pork. In fact, the principle of permissibility (ibaha) in Islamic law supports the legitimacy of Bitcoin as property unless a clear text negates it (Nawawi; Sarakhsi, 1993; Zarqani, 1993). Even declarations by some Islamic economic forums have acknowledged Bitcoin's classification as *māl mutaḳawwam* (a valuable property), which can be lawfully owned and exchanged. Thus, from a jurisprudential standpoint, Bitcoin meets the necessary qualifications for being treated as lawful and valuable property.

Parallel to the jurisprudential discourse, Iranian civil law offers a supportive framework for recognizing Bitcoin as property. Although the Civil Code of Iran does not explicitly define "property," it does stipulate that the object of a contract must be of economic value and capable of delivering lawful benefit (Articles 214 and 215). Legal scholars have interpreted "property" to include not just tangible assets, but also intangible ones such as intellectual property rights, trade secrets, and stock shares (Katouzian, 2015, 2022). The principle of

freedom of contract in Article 10 of the Iranian Civil Code also strengthens the position that Bitcoin transactions are valid unless expressly prohibited by law. In this legal context, Bitcoin demonstrates the necessary attributes of property: (1) assignability and ownership—Bitcoin can be individually owned and transferred; (2) economic valuation—it is actively traded in financial markets; and (3) utility—it serves as a medium of exchange and store of value (Roshan & Colleagues, 2018). Critics argue that Bitcoin's volatility and use in illicit activities undermine its legitimacy. However, such concerns are not unique to Bitcoin and can be regulated without denying its property status. Moreover, the fact that several countries, including Japan and the United States, recognize Bitcoin as a lawful financial asset further supports its property classification under comparative legal standards. Accordingly, Iranian law, when interpreted flexibly and in alignment with global legal developments, does not preclude the classification of Bitcoin as property.

The comprehensive findings of this study suggest that the recognition of Bitcoin as property in Islamic jurisprudence and Iranian law is not only theoretically sound but practically imperative. Denying Bitcoin's property status based solely on its immateriality or digital nature contradicts the evolutionary character of both legal and jurisprudential definitions of property. The article argues that such denial stems more from the novelty of the asset than from any inherent deficiency in its properties. As with earlier technological innovations—such as paper money or electronic banking—initial skepticism was eventually replaced by acceptance, once the assets proved to fulfill the essential functions of property. The same trajectory seems likely for Bitcoin, especially as digital transactions and decentralized finance (DeFi) gain mainstream acceptance. Furthermore, the lack of any explicit religious

or legal prohibition against Bitcoin reinforces its eligibility for lawful ownership and transaction. Thus, the classification of Bitcoin as *māl* is not only valid but also necessary for aligning legal frameworks with modern economic realities. The article concludes by advocating for dynamic jurisprudential interpretation and legal reform to accommodate technological advancements like cryptocurrencies, ensuring that legal systems remain both relevant and responsive in an increasingly digital world.

References

- Bahouti, M. i. Y. (1993). *Sharh Muntaha al-Iradat*. Alam al-Kutub.
- Bigdeli Ziaei, M. (2024). *Public International Law*. Ganj Danesh.
- Farabi, A. N. (1986). *Al-Sihah Taj al-Lughah wa Sihah al-'Arabiyyah*. Dar al-'Ilm lil-Malayin.
- Forghandoust Haqiqi, R., & Nadaf. (2018). Review of Cryptocurrencies: Opportunities and Threats. *Journal of Modern Research Approaches in Management and Accounting*(7).
- Heydari Eshtirani, S. (2022). Studying the dynamic relationship between Bitcoin and stock indices, gold and the dollar in Iran. *Development and Investment Journal*(14), 91-109.
- Hilli, H. i. Y. (1968). *Tadhkirat al-Fuqaha*. Al al-Bayt Institute.
- Ibn Manzur, M. i. M. (1993). *Lisan al-Arab*. Dar Sader.
- Kasani, A. B. i. M. (1985). *Bada'i' al-Sana'i'*. Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Katouzian, N. (2015). *Specific Contracts 1*. Ganj Danesh.
- Katouzian, N. (2022). *General Rules of Contracts*. Ganj Danesh.
- Khatibi, M. (2023). Jurisprudential Analysis of the Financial Nature and Buying/Selling of Decentralized Cryptocurrencies: A Case Study of Bitcoin. *Islamic Economics Knowledge Journal*(28).
- Marwazi, I. i. M. (2004). *Issues of Imam Ahmad ibn Hanbal and Ishaq ibn Rahwayh*. Scientific Research Department.
- Moein, M. (2011). *Moein Dictionary*. Amir Kabir Publishing Institute.
- Nawawi, M. Y. i. S. *Al-Majmu'*. Dar al-Fikr.
- Qayem, A. (2009). *Contemporary Arabic-Persian Dictionary*.
- Roshan, M., & Colleagues. (2018). Examining the Jurisprudential and Legal Status of Bitcoin. *Legal Research Quarterly*(87).
- Samarqandi, M. i. A. (1993). *Tuhfat al-Fuqaha*. Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Sarakhsi, M. i. A. S. a. A. i. (1993). *Al-Mabsut*. Dar al-Ma'rifah.
- Taheri, H. (1997). *Civil Law*. Islamic Publishing Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom.
- Zarqani, A. i. Y. (1993). *Sharh al-Zarqani 'ala Mukhtasar al-Khalil wa Hashiyat al-Banani*. Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.